

رویه قضایی دادگاههای بین‌المللی کیفری
در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر
The Jurisprudence of the Criminal International
Courts in Dealing with Gender-Based crimes on
Girl Child Soldiers

Javad Salehi¹

جواد صالحی*

Introduction: Gender-Based crimes against girl children soldiers which are one of the international concerns were the subject of international criminal law from past two decades. The perpetrators of these crimes in international courts for Yugoslavia, Rwanda, Sierra Leone have been considered by the judges, but in practice faced serious gaps to punish them, although all efforts which were made by the International Criminal Courts from early stage in this area to give a panoramic view of these crimes to international community and bring it to the International Criminal Court. Congo was the first case of sexual allegations against the girl children soldiers in Criminal Court. Women human rights activists collected many evidence and gave them to victims and witnesses. Those evidence indicate the sexual crimes against girl children soldiers were committed by Lubango or his forces. In the case of Lubango non-governmental organizations contributed to an attempt to collect and present evidence

مقدمه: جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر از جرایم مورد توجه جامعه بین‌المللی است که از دو دهه اخیر موضوع حقوق بین‌المللی کیفری قرار گرفته است. عاملان این دسته از جرایم در عرصه بین‌الملل در دادگاههای یوگسلاوی، رواندا تا سیرالئون مورد توجه قضات قرار گرفته‌اند، لیکن در عمل برای مجازات آنها با خلاءهایی جدی مواجه شده‌اند. با این همه تلاش دادگاههای بین‌المللی کیفری از ابتدا تاکنون در این عرصه چشم‌انداز وسیعی را فراروی جامعه بین‌المللی قرار می‌دهد و امتداد آن را به دیوان کیفری بین‌المللی می‌رساند. وضعیت کنگو، اولین پرونده دارای اتهامات جنسی علیه کودک سربازان دختر در دیوان کیفری است. زنان فعال حقوق بشری دلائل زیادی را در این زمینه جمع‌آوری و در اختیار قربانیان و شهود قرار داده بودند که این دلائل حاکی از وقوع جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر از سوی لوبانگو یا نیروهای تحت امر وی بود. سازمانهای غیردولتی در پرونده لوبانگو سهم به‌سزایی در تلاش برای جمع‌آوری و ارائه دلایل مؤید اتهامات جنسی لوبانگو به دادستان ایفاء کردند. نمایندگان

1- Ph.D in law<Javadsalehi@pnu.ac.ir>

* دکتر حقوق، دانشگاه پیام نور،
<Javadsalehi@pnu.ac.ir>

of sexual crime. Legal representatives of sexual crimes victims refer to witnesses' assertion to indicate girls were recruited widely and systematically to assault sexual crimes against them. The prosecutor also did a lot of research in Congo to report on the sexual offense against the girl children soldiers cited in these areas. However, the prosecutor did not pay any attention to these reasons.

Literature Review: However, the Criminalization of Gender-Based crimes in the statute of the Court in evolutionary approach is a historic occasion and hope that no impunity for the perpetrators of gender-based crimes does not exist. Rome Statute prepares wider context to prosecute gender-based crimes against girl children soldiers in the International Criminal Court that missed in previous courts. Although the statutes have predicted the complete set of indictable gender-based crimes, personnel and organizational requirements, but it is disheartening to see how these facilities use for the benefit of victims of gender-based crimes in the International Criminal Court precedent. Rape charges against Lubanga in the court has particular weaknesses which were caused by the performance of prosecutors and Pre-Trial Chamber, collecting insuffi-

حقوقی قربانیان جرایم جنسی نیز به برخی از محورهای اظهارات شهود معرفی شده از سوی دادستان استناد کردند که نشان می‌داد که عمل غیرانسانی و ظالمانه سربازگیری دختران به‌طور گسترده و سازمان یافته برای اعمال جرایم جنسی صورت گرفته است. دادستان نیز برای انجام تحقیقات در وضعیت کنگو به گزارشهای زیادی در رابطه با ارتکاب جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر در این مناطق استناد کرد. با این وجود دادستان به این دلایل هیچ توجهی نکرد.

مرور انتقادی: این در حالی است که در رویکردی تکاملی جرم‌انگاری جرایم جنسی در اساسنامه دیوان کیفری تبدیل به یک واقعه تاریخی شده است و امیدها را دوجندان کرده است که دیگر هیچ مصونیتی برای عاملان این دسته از جرایم وجود ندارد. اساسنامه رم ابعاد گسترده‌ای را برای تعقیب جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر در دیوان ارائه کرده است که در دادگاههای بین‌المللی کیفری سابق مفقود است. اگرچه در اساسنامه، مجموعه‌ای کامل از جرایم قابل تعقیب جنسی، مقتضیات پرسنلی و سازمانی لازم پیش بینی شده است، لیکن میزان و نحوه استفاده از این امکانات به نفع قربانیان جرایم جنسی در رویه قضایی دیوان کیفری مایوس کننده است. اتهامات جنسی لوبانگو در پرونده پیش روی دیوان کیفری از آسیب‌پذیری ویژه‌ای برخوردار شده است. این آسیب‌پذیری ناشی از عملکرد دادسرا و شعبه مقدماتی، جمع‌آوری

cient evidence, incomplete indictment, and court inaccurate interpretation on sex crimes against girl children soldiers. Many reasons which were supported the occurrence of certain sex crimes by Lubango were heard during the hearings. The witnesses for the prosecution also testified occurrence of crimes and confirmed it during the hearings. Finally, these efforts found a great result. The methodology of this research was descriptive-analytic and relying on the history and jurisprudence of the Former Criminal International Court including; Yugoslavia, Rwanda, Sierra Leone and the International Criminal Court which were dealing with gender-based crimes on girl children soldiers.

Discussion: Results of this study, after review course to the jurisprudence of the former Criminal International Tribunal to International Criminal Court in dealing with gender-based crimes, reflect the fact that despite of development of international criminal law there are still bugs and deficiencies in jurisprudence of International Criminal Court in the fight against gender-based crimes on girl children soldiers in Congo situation. The prosecutor's statement, reasons for legal representatives of victims and witnesses were not considered by the justices. No

دلایل ناکافی، تنظیم ناقص کیفرخواست و تفسیر محدود دیوان از جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر بود. دلایل زیادی در رابطه با وقوع قطعی جرایم جنسی در طول جلسات دادرسی علیه لوبانگو استماع شد. شهود دادستان نیز در طول جلسات دادرسی بر وقوع این جنایات شهادت دادند و بر آن صحه گذاشتند. لیکن این تلاشها در نهایت ثمره زیادی دربر نداشت. روش مطالعه در این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به سیر تاریخی و رویه قضایی دادگاههای بین‌المللی کیفری سابق شامل یوگسلاوی، رواندا، سیرالئون و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر است.

بحث: نتایج حاصل از تحقیق حاضر پس از مطالعه سیر رویه قضایی دادگاههای بین‌المللی کیفری سابق تا دیوان کیفری در بر خورد با جرایم جنسی حاکی از این واقعیت است که علی‌رغم تکامل در قوانین کیفری بین‌المللی هنوز اشکالات و نقائصی در حوزه عمل وجود دارد که نمود آن در رویه دیوان کیفری بین‌المللی در مبارزه با جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر کنگو مشهود است. اظهارات دادستان، دلایل نمایندگان قانونی قربانیان و شهادت شهود مورد توجه قضات دیوان قرار نگرفته است. هیچ اتهام جدیدی مبنی بر وقوع جرایم جنسی به لیست اتهامات سابق لوبانگو اضافه نشده است و مراحل تأیید اتهام و محاکمه او با

new charges based on allegations of sex crimes has added to the former list of Lubango's charges. Lubanga was on trial for the same charges, registration girl children soldiers. The final decision issued too little impact of sexual violence against Lubanga.

Keywords: Former Criminal International Courts, Gender-Based Crime, International Criminal Court, International Criminal Law, Jurisprudence

همان اتهامات ثبت نام، سرپازگیری و استفاده از دختران در مخاصمات طی شده است. با این اوصاف رأی نهایی صادر شده علیه لوبانگو تأثیرات کمی از خشونت‌های جنسی به خود گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جرایم جنسی، حقوق بین‌المللی کیفری، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری سابق، دیوان کیفری بین‌المللی، رویه قضایی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۳

مقدمه

جرایم یا خشونت‌های جنسی در حقوق بین‌الملل یکی از پدیده‌های پیچیده و از مفاهیم بحث برانگیز است که منجر به ارائه تعاریف مختلفی از آن شده است. این رفتار از خشونت‌های مبتنی بر تفاوت‌های جنسی افراد ناشی می‌شود که شامل «هر صدمه‌ای است که برخلاف اراده شخص قربانی صورت می‌گیرد، در حالی که ناشی از قدرت نامشروعی است که در کارکردهای جنسی وی اعمال می‌شود» (کریز، ۲۰۱۳). بزه دیدگی با تعامل‌های اجتماعی افراد در ارتباط است و نرخ وقوع جرایم هم زمان با تغییر این تعاملها و خصوصیات بالا و پایین می‌رود (الستی و حسن پور، ۱۳۸۵). میان بزه کاری و بزه دیدگی ارتباط و تشابه عمیقی وجود دارد (توجهی، ۱۳۷۷). رفتارهای پرخطر و جرم‌زای بزه دیده مانند

رعایت نکردن پوشش صحیح و تحریک مرتکبین ناآشنا از سویی و دوستیها و ارتباطات نامتعارف در محیطهای کاری و تحصیلی با افراد آشنا به ویژه زمانی که با جذابیت همراه باشد و سبب ایجاد وابستگیهای کاذب عاطفی گردد، خطر بزه دیدگی را افزایش می‌دهد (توحیدی و فضل، ۱۳۹۳). برخی از عوامل مانند؛ اشارات و حالات خاص بدنی (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵) یا قرارگرفتن در وضعیتها و موقعیتهای خاص (پیکا، ۱۳۸۹)، قابلیت دسترسی، جذابیت بزه دیده، قابلیت کنترل، ارتباط میان بزه دیده و بزهکار در میزان خطر در بزه دیدگی کودکان و زنان مؤثر است (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳). لیکن در خشونت‌های جنسی علیه کودک سربازان دختر در سطح مخاصمات بین‌المللی هیچ سطحی از تعامل میان دو طرف را نمی‌توان در نظر گرفت، الا اینکه کودک سرباز به دلیل بی‌دفاع بودن در موقعیت گرفتار و در کنترل اجباری متجاوز قرار گیرد.

در سطح دیوان کیفری بین‌المللی (زین پس؛ دیوان) پرونده توماس لوبانگو دیالو (زین پس؛ لوبانگو)، اولین پرونده دارای اتهامات جنسی علیه کودک سربازان دختر است. در این پرونده ادعا شده بود که لوبانگو بنیانگذار و فرمانده اتحادیه میهن پرستان کنگویی^۱ و فرمانده ارشد شاخه نظامی آن^۲، متهم به جرایم جنسی^۳ علیه کودک سربازان دختر است (گلاس بورو، ۲۰۰۸a). از این رو، قضات در طول ۲۲۰ جلسه تحقیقات به جرایم جنسی ادعایی لوبانگو به استماع شهادت ۳۶ شاهد علیه وی پرداختند (مطبوعات دیوان کیفری، ۲۰۱۱). پس از آن اظهارات پایانی دادستان دیوان (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۸ آگوست ۲۰۰۶) (زین پس؛ دادستان)، نمایندگان حقوقی قربانیان و متهم استماع و ختم دادرسی اعلام

1. UPC

2. FPLC

3. gender-based crime

4. Glassborow

5. ICC Press Release

6. Prosecutor v. Lubanga

گردید. شعبه بدوی لوبانگو را مجرم شناخت (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ مارس ۲۰۱۲) و او را به اتهام جرایم ثبت نام، سرپازگیری و استفاده از کودک سرپازان در مخاصمات مسلحانه به مجازات محکوم کرد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۰ جولای ۲۰۱۲).

این در حالی بود که دادستان قبل از این با طرح برخی از ابعاد جرایم جنسی صورت گرفته علیه کودک سرپازان دختر، ادعا کرده بود که در پرونده لوبانگو «جرایم جنسی صورت گرفته علیه کودک سرپازان دختر نادیده گرفته نمی شوند» (اوکامپو،^۱ ۲۰۱۰). لیکن با گذشت زمان، اختلافات میان مستندات دادستان و اتهامات مورد بحث نشان داد که دادستان به وعده‌های خود پایبند نیست. در چنین وضعیتی که حتی متهم در مواجهه با اظهارات شهود، دلائلی را در ارتباط با جرائمی در دیوان مطرح می‌کرد که مرتبط با جرایم جنسی وی بود (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۲ می ۲۰۰۹) و حداقل ۱۵ تن از ۲۵ تن شهود دادستان بر وقوع جرایم جنسی علیه لوبانگو شهادت داده بودند (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۹ و آبروین،^۲ ۲۰۰۹)، دادستان استدلال می‌کرد شهود تمایل چندانی به ادای شهادت برای اثبات جرایم جنسی لوبانگو ندارند و لذا تحت این شرایط او چاره ندارد که موقتاً از تعقیب این اتهامات لوبانگو صرف نظر کند.

عملکرد دادستان با انتقاداتی از سوی جامعه دانشگاهی، فعالان حقوق بشری و سازمانهای غیردولتی مواجه شد (زنان پیشگام برای عدالت جنسی،^۳ ۲۰۱۰؛ دیده‌بان حقوق بشر،^۴ ۲۰۰۶؛ کولمن،^۵ ۲۰۰۷ و نیز پریچت،^۶ ۲۰۰۸). سازمانهای

1. Ocampo

2. Irwin

3. Women's Initiatives for Gender Justice

4. Human Rights Watch

5. Coleman

6. Pritchett

حقوق بشری مدعی بودند که بیش از یک سوم کودک سربازان، یعنی ۱۲۵۰۰ نفر از ۳۰۰۰۰ نفر در جمهوری دموکراتیک کنگو (زین پس؛ کنگو) از دختران بوده‌اند که در طول درگیری به‌طور سازمان‌یافته قربانی خشونت‌های جنسی قرار گرفته‌اند (گلاس بورو، ۲۰۰۶). فعالان حقوق زنان در عرصه بین‌الملل با اشاره به دلایل مؤید ربودن دختران نوجوان زیر ۱۲ سال و سپس تجاوز به آنها از سوی لوبانگو و نیروهای تحت امر وی تقاضا کرده بودند که دادستان در این زمینه تحقیقات بیشتری را انجام دهد. آنها متعقد بودند که دادستان بخاطر فقدان سیاست کارآمد در حوزه تحقیقات جرایم جنسی نتوانسته از عهده کار برآید (گلاس بورو، ۲۰۰۸b)، و به ناچار صورت مسأله را پاک کرده است. این در حالی بود که اتهام استفاده از کودک سربازان زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه با اتهام مطرح نشده خشونت جنسی در کیفرخواست ارتباط مستقیم داشت و چه بسا اینکه استفاده از کودک سربازان دختر در مخاصمات مسلحانه فقط محدود به «سوءاستفاده جنسی از آنها» توسط سربازان بوده باشد (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۰۹). اما دادستان به جای اصلاح کیفرخواست، صرفاً تظاهر می‌کرد که تمام جوانب اتهامات از جمله خشونت جنسی علیه کودک سربازان دختر را در نظر گرفته است (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹).

مرور انتقادی

خشونت علیه زنان، خشونت مبتنی بر جنسیت است که از تفکرات مبتنی بر تبعیض جنسی ناشی می‌شود. خشونت جنسی یا به تعبیر برخی از حقوقدانان در ارائه مفاهیم مشابه شامل؛ آزار جنسی (کردی و حسینی نوذری، ۱۳۹۳)، مزاحمت جنسی نیز یکی از اشکال خشونت جنسی و تبعیض علیه زنان است که با افزایش

احساس ناامنی موجب ترس زنان از حضور در جامعه و در نتیجه محدود شدن آزادی های فردی و کاهش مشارکت اجتماعی بانوان می شود (پاک نهاد، ۲۹۳۱). (صادقی فسائی و رجب لاریجانی، ۱۳۸۹)، تبعیض جنسی (کیتلسون، ۱۳۹۱)، بهره کشی جنسی (خوشایبی، ۱۳۸۲) همگی با اندک تفاوت های جزئی به وضعیتی توأم با تحت فشار قرار دادن جنس مؤنث برای رابطه جنسی، رابطه جنسی با تهدید و اجبار، اشکال ناخواسته رابطه جنسی، رابطه جنسی در زمان نامناسب و رابطه جنسی با زور و فشار (وامقی، خدائی اردکانی و سجادی، ۱۳۹۲) اشاره دارند که با اندکی اغماض می توان آنها در ذیل یک عنوان «جرایم یا خشونت های جنسی» قرار داد.

جرایم جنسی در حقوق اسلام در ردیف جرایم دارای کیفرهای سنگین است. توصیف جرایم و کیفرهای مقرر برای جرایم جنسی در حقوق کیفری ایران نیز به برداشت و تفسیر مشهور فقه شیعه از این آموزه ها مستند شده است (کبریتی و همکاران، ۱۳۸۹). در عین حال که تفسیرها و برداشتهای ارائه شده از خشونت جنسی در نظام تقنینی و رویه های عملی نهادهای قضایی و پلیسی حاکی از سیطره گفتمان جنسیتی خاص در این قلمرو است (فرجی ها و آذری، ۱۳۸۸).

خشونت جنسی پدیده ای چندعاملی است. برای علت شناسی دقیق این پدیده باید از یک سو فاعل این پدیده و از سوی دیگر قربانی خشونت جنسی را در تعامل با هم در نظر گرفت. قابلیت و استعداد بزه دیده واقع شدن از سوی قربانی جرم در وقوع پدیده خشونت جنسی امری طبیعی است. در بسیاری از موارد این خود بزه دیده است که مرتکب را به ارتکاب عمل وا می دارد (احمد حاجی ده آبادی، محمدعلی حاجی ده آبادی و یوسفی، ۱۳۹۲). انتخاب فرد بزه دیده از طرف بزهدار تا اندازه های ناشی از رابطه قبلی بین آن دو است (بابایی، ۱۳۹۰).

قربانیان جنایت های بین المللی به لحاظ ویژگی های خاص این جرایم و خاستگاه

ویژه بزه دیدگی‌شان به شدیدترین نوع آسیب روانی دچار می‌شوند (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۰). بزه‌کاران بالقوه در انتخاب قربانیان خود، افرادی را بر می‌گزینند که برای اهداف مجرمانه آنها هزینه کمتری دربر داشته باشند (السان، ۱۳۸۵). بزه‌کاران پیش از ارتکاب جرم ریسک ارتکاب بزه را با مقایسه با میزان مجازات احتمالی در صورت کشف جرم و دستگیری ارزیابی و سود احتمالی حاصل از آن را در محاسبات خود در نظر می‌گیرند (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸). چراکه مجرم به تعبیر بن‌تام «قاضی منافع خود است» (پردال، ۱۳۹۰). یکی از ابعاد مدنظر بزه‌کاران، ویژگیهای خاص زیستی، روانی و اجتماعی بزه دیدگان است که همواره در محاسبات مجرمان برای ارتکاب جرم و شکل‌گیری وضعیتهای پیش جنایی قرار می‌گیرد. برخی از افراد نظیر کودکان و زنان به لحاظ ویژگیهای ذاتی خود اهداف مناسب و مطلوبی برای بزه‌کاران هستند (حسینی و صفری، ۱۳۹۴). کودکان و نوجوانان به دلیل وضعیت و موقعیت آسیب‌پذیری که دارند بیشتر از افراد بزرگسال در معرض سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی قرار دارند (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴). زنان و کودکان به همین دلیل بیش از سایرین مستعد و در معرض بزه دیدگی خشونت جنسی هستند و از آنها با عنوان «بزه دیدگان بالقوه» (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳) خشونت جنسی یاد می‌شود. اطفال و نوجوانان به دلیل نداشتن قوه تمییز و صغر سن همواره به سادگی در معرض سوءاستفاده‌های جنسی هستند و تحمل بزه دیدگی از ناحیه آنان به جهت داشتن روحیه‌ای آسیب‌پذیر، تأثیر مخربی بر جسم و روح آنان تحمیل می‌کند (مهر، ۱۳۹۰). در یک الگوی ساده از خشونت جنسی در مخاصمات نیز تردیدی نیست که قربانیان معمولاً زنان و عاملان آن معمولاً مردان هستند و عاملان آن ممکن است از نیروهای شبه نظامی، گروههای نظامی غیردولتی، نیروهای نظامی و

(اوستروولد، ۲۰۰۹ و نیز باس^۱، ۲۰۰۹) معرفی شدند.

با شناسایی این دسته از جرایم و اعطای صلاحیت به دیوانهای کیفری بین‌المللی در رسیدگی به این جرایم، زمینه برای حمایت از قربانیان این جنایات فراهم شد (پیلای^۲، ۲۰۱۰). در این دوران دیوان کیفری بین‌المللی جایگاه رفیعی را برای بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری بین‌المللی به ارمغان آورد (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲). بر اساس بند ۱ قسمت الف اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مجمع عمومی ملل متحد (۱۹۸۵) بزه دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعلها یا ترک فعلهای نقض کننده قوانین کیفری دولتهای عضو به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی دچار شده‌اند. الزامات دادرسی کیفری یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق بشری در راستای حمایت حقوقی از بزه‌دیده است که در مجموعه قوانین دیوان کیفری بین‌المللی در حد اعلائی خود پیش‌بینی شده است (صالحی، ۱۳۹۴).

این رویکرد گامی بلند در تحقق عدالت اجتماعی تلقی می‌شود. چراکه نبود قوانین حمایتی مناسب و شناسایی نشدن توسط مراجع رسیدگی کننده به این جرایم یکی از عوامل تشدیدکننده بزه دیدگی این افراد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰) است. جامعه بین‌المللی از سال ۱۹۹۰ مرتکبین جرایم جنسی در مخاصمات مسلحانه را مخاطب خود قرار داد. لیکن دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (زین پس؛ دادگاه یوگسلاوی) و رواندا در ابتدای تأسیس به تعقیب مرتکبین این نوع از جرایم نمی‌پرداختند. ولی در واکنش به تجاوزهای

1. Buss
2. Pillay

جنسی گسترده صورت گرفته در یوگسلاوی، همزمان تشکلهای فمینیستی با خواسته تعقیب این دسته از جرایم در دادگاههای بین‌المللی کیفری فعال شدند (مک گلین^۱، ۲۰۰۸) و این دادگاهها را تحت فشار افکار عمومی قرار دادند.

حقوق بین‌الملل کیفری از این دوران به بعد، عاملان این دسته از جرایم علیه زنان را به اتهام «خشونت جنسی» دارای مسئولیت کیفری معرفی کرد (نوروجی^۲، ۲۰۰۵). خشونت جنسی شامل هر نوع خشونت علیه زنان، دختران، پسران و مردان معرفی شد که بر اساس تفاوت‌های اجتماعی به آنها نسبت داده می‌شود. این اعمال شامل هر نوع آسیب فیزیکی، روانی، جنسی و یا تهدید به چنین اعمالی مانند؛ جبر، محرومیت از آزادی و ... است. زنان و دخترانی که در طول مخاصمات قربانی خشونت جنسی قرار می‌گرفتند، مشمول آذربایی، تجاوز به عنف، ازدواج اجباری، حاملگی و بچه‌پروری اجباری^۳ بودند (مک کی^۴ و مازورانا^۵، ۲۰۰۳). در عین حال به موازات ساز و کارهای دیگری از جمله سیاستهای پیشگیرانه نیز برای کاستن از دامنه وقوع این جرایم جنسی به کار گرفته شد. سیاست تقویت آماج جرم برای دشوارتر کردن رویداد اعمال جنایی (صفاری، ۱۳۸۰)، کاهش وسوسه‌های مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه وقوع جرم جنسی (وزیری و آبیید، ۱۳۹۰)، افزایش امنیت اجتماعی و ارائه خدمات مشاوره‌ای برای ارتقای سطح فرهنگی و اطلاع رسانی به قربانیان خشونت‌های جنسی (قناد، ۱۳۹۱) از راهکارهایی بود که از دامنه بزه دیدگی خشونت جنسی می‌کاست.

در این سالها دادگاه یوگسلاوی، اولین مرجعی بود که در توسعه صلاحیت رسیدگی به جرایم جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری نقش مؤثری ایفاء کرد (هایس^۶، ۲۰۱۰ و نیز شاک^۷، ۲۰۰۸). دادگاه یوگسلاوی، ۱۶۲ مورد کیفرخواست صادر

1. McGlynn 2. Nowrojee 3. Forced Childbearing
4. McKay 5. Mazurana 6. Hayes
7. Schaack

کرد که ۵۸ مورد آن به جرایم جنسی محکوم شدند (دادگاه یوگسلاوی در یک نگاه^۱، ۲۰۱۶). قضات این دادگاه، جرم تجاوز جنسی را در پرونده سلیبسی^۲ (پرونده دادستان علیه زجنیل^۳، زدراوکو^۴، حزیم^۵ و اساد^۶، ۱۹۹۸) به عنوان شکنجه و در پرونده فوکا^۷ (پرونده دادستان علیه دراگولجوب^۸، کوواک^۹ و ووکویچ^{۱۰}، ۲۰۰۱) به عنوان جرم علیه بشریت معرفی و متهمان آن را به اتهام برده‌گیری جنسی برشمردند. بردگی جنسی بدون اینکه تعریفی از آن ارائه شده باشد، بعدها به موجب شق ۶ بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری به عنوان جنایت علیه بشریت ذکر شد. برخی از حقوقدانان مصادیق بردگی جنسی را شامل؛ خرید، فروش، کرایه دادن، معاوضه و اعمال مشابه به منظور وادار کردن به اعمال جنسی (صادقی، ۱۳۸۳) محکوم کردند. دادگاه رواندا نیز رویه دادگاه یوگسلاوی را در مبارزه با جرایم جنسی مستند کار خود قرار داد تا جایی که این اقدام او حقوق بین‌الملل کیفری در این عرصه را به نحو بی‌نظیری توسعه داد (آسکین^{۱۱}، ۲۰۰۵). در همین دوران سایه قضات دادگاه رواندا بر جرم جنسی به عنوان جرم بین‌المللی در پرونده آکایسو^{۱۲} با موفقیت مواجه شد. دادگاه در این رأی، بخشی از پروسه تاریخی جرایم جنسی را که از دادگاه یوگسلاوی شروع شده بود، در دستور کار خود قرار داد. قضات دادگاه در این پرونده برای مبارزه با جرایم جنسی از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند. در کیفرخواست اصلی به اتهام جرایم جنسی اشاره نشده بود و تحلیل دادگاه این بود که ریشه این مسأله در تمایل دادستان به حذف اتهام جرم جنسی در عوض قبولی اتهامات دیگر از سوی متهم (پرونده دادستان علیه بیسن جی مانا^{۱۳}،

- | | | |
|---------------------|--------------|-------------|
| 1. Icty at a Glance | 2. Celebici | 3. Zejnil |
| 4. Zdravko | 5. Hazim | 6. Esad |
| 7. Foca | 8. Dragoljub | 9. Kovac |
| 10. Vukovic | 11. Askin | 12. Akayesu |
| 13. Bisengimana | | |

۲۰۰۶؛ پرونده دادستان علیه نزییریندا^۱، ۲۰۰۷؛ پرونده دادستان علیه روگامبارارا^۲، ۲۰۰۷ و نیز سروشاگو^۳، (۱۹۹۹) بوده است. ولی قضات به این رفتار دادستان واکنش نشان دادند. آنها چند اصلاحیه را برای اضافه کردن اتهامات جنسی به کیفرخواست از دادستان تقاضا کردند. قضات دادگاه در این پرونده، جرایم جنسی را به عنوان مولفه ژنوساید و تجاوز را به عنوان نوعی شکنجه (آسکین، ۲۰۰۵) معرفی کردند.

دادگاه سیرالئون نیز در این مسیر رویه قضایی درخشانی در شناسایی و تعریف جرم علیه بشریت ازدواج اجباری (اوسترولد، ۲۰۰۷) از خود برجای گذاشت، اگرچه به دلیل برخی از فشارهای خارجی مجبور شد که به بهانه آیین دادرسی، کلیه دلائل جرایم جنسی را در یکی از پرونده‌ها مستثنی از رسیدگی اعلام کند (کلسال^۴ و استپاکوف^۵، ۲۰۰۷). با این همه، جرایم جنسی در دادگاه سیرالئون به عنوان جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و عنصر شاکله جرم ژنوساید معرفی شدند.

این موفقیتها که به سختی به دست آمده بود با اجرایی شدن اساسنامه رم (زین پس؛ اساسنامه دیوان یا اساسنامه) در جولای ۲۰۰۲ به امیدواری بزرگتری تبدیل شد که دیوان نیز بتواند این موفقیتها را دوچندان ادامه دهد و بر دامنه آنها بیش از پیش بیافزاید. در چنین فضایی که پیش‌نویس نهایی اساسنامه دیوان تصویب شد، «جرایم جنسی» نیز جرم‌انگاری شد. این اقدام تا حدی شگفتی‌آور بود که برخی از آن به عنوان اقدامی تاریخی در مبارزه با جرایم جنسی یاد کردند (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۰a). اساسنامه دیوان با تصریح بر

1. Nzabirinda
4. Kelsall

2. Rugambarara
5. Stepakoff

3. Serushago

اینکه «شدیدترین جنایتهای موجب نگرانی جامعه بین‌المللی ... نباید بی مجازات باقی بماند» (مقدمه و ماده ۱ اساسنامه)، این جنایتها را شامل جرایم جنسی (ر. ک. ماده ۷ اساسنامه) نیز معرفی کرد.

در این دوران مواد (b) (۱) ۵۴، (b) (۸) ۳۶، (۲) ۴۴، (۹) ۴۲، (۶) ۴۳ و (۱) ۶۸ اساسنامه لیست جامعی از جرایم جنسی را به عنوان جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در ماده (۱) ۷ اساسنامه پیش‌بینی کرد. این اقدام تنظیم کنندگان اساسنامه دیوان پاسخی کوبنده به تحقیق و تعقیب ناکافی در حوزه جرایم جنسی و دیگر اشکال جرایم جنسی در سطح بین‌المللی (بدونت^۱ و هال مارتینز^۲، ۱۹۹۹ و نیز استینز^۳، ۱۹۹۹) تلقی شد. اساسنامه دیوان با این رویکرد، نه تنها جرایم جنسی را در صلاحیت دیوان قرار داد، بلکه آیین دادرسی ویژه‌ای را برای آن تنظیم کرد تا با این جرایم و قربانیان آن به نحو خوبی برخورد شود (ر. ک. محمدنسل، ۱۳۹۱). به بیان دیگر، اساسنامه رم ابعاد گسترده‌ای را برای تعقیب این دسته از جرایم جنسی در دیوان ارائه کرد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. این اساسنامه، نه تنها مجموعه‌ای کامل از جرایم قابل تعقیب جنسی بود، بلکه مقتضیات پرسنلی و سازمانی لازم را برای برخورد با این جرایم پیش‌بینی کرد (هایس، ۲۰۱۲).

اما در مرحله عمل سختی‌هایی وجود دارد که تا حد زیادی مانع کار دادستان در تحقیق، تعقیب و اثبات این جرایم جنسی است. برخی از محققین معتقدند که بسیاری از اشکالات بر سر راه تحقیق جرایم جنسی ناشی از یک واقعیت تاریخی است که اعمال جنسی «از طرف سربازانی صورت گرفته است که دارای بیماری انحراف جنسی یا بی‌قید و بند به مسائل مذهبی بوده‌اند و اینکه این

1. Bedont
2. Hall-Martinez
3. Steains

اقدام آنها یک رفتار غلط شخصی و نه مشمول ممنوعیتهای حقوق بشردوستانه بین‌المللی» (کوپلون، ۲۰۰۰ و نیز دیده بان حقوق بشر، ۱۹۹۸) تلقی شده است. برخی دیگر استدلال کرده‌اند که این جرایم جنسی از تبعات جرایم جنگی (سلر^۱ و اوکوزومی^۲، ۱۹۹۷ و نیز اوسوجی^۳، ۲۰۱۰) است. کما اینکه این موضوع با تحت تعقیب قرار ندادن مرتکبان جرایم جنسی تقویت می‌شود تا حدی که عدم مجازات مرتکبین این دسته از جرایم به معنای تأیید ضمنی جرائم جنسی به عنوان پاداش جنگ (آسکین، ۲۰۰۶) برای سربازان است. از منظر این دسته از حقوق‌دانان فقدان مقررات صریح در این موارد، دادستان را در تعقیب جرایم جنسی با مشکل مواجه می‌کند. در عین حال که مطالعه عملکرد دادستانها در تعقیب جرایم جنسی در دادگاههای بین‌المللی کیفری موقت در ۱۵ سال اخیر نشان می‌دهد علی‌رغم بهبود این وضعیت، این مسأله همچنان از مشکلات پیش روی دادستانها است، چراکه قضات از دادستانها می‌خواهند که دلائل مستندتری را برای تعقیب این نوع از جرائم به دادگاهها ارائه نمایند (آسکین، ۲۰۰۳).

در این شرایط با ارجاع وضعیت کنگو به دیوان انتظار می‌رفت که دادسرا با تحقیقات و کیفرخواست سنگینی راجع به جرایم جنسی در این وضعیت مواجه شود. در این دوران سرزمین کنگو با گرفتن لقب «پایتخت جهانی تجاوز جنسی» (پیترمن^۴ و همکاران، ۲۰۱۱)، تبدیل به منطقه‌ای شده بود که در آن «مخاصمات مسلحانه با نرخ بالای وقوع جرایم جنسی توأم شده بود» (آداریو^۵ و آگان^۶، ۲۰۰۸). تا حدی که برخی از گزارشها نشان می‌داد که بیش از ۴۰۰/۰۰۰ زن قربانی تجاوز جنسی در این منطقه وجود دارد (آدتونجی^۷، ۲۰۱۱). اما دیوان با این

- | | | |
|-------------|-------------|----------|
| 1. Sellers | 2. Okuizumi | 3. Osuji |
| 4. Peterman | 5. Addario | 6. Egan |
| 7. Adetunji | | |

جایگاه برتر و در اختیار گرفتن امکانات برای مبارزه با جرایم جنسی، در اولین پرونده دارای اتهامات جنسی به خوبی عمل نکرد. دادستان نیز کار خود را در این عرصه، در مقیاس قابل قبولی شروع نکرد.

در این شرایط و در طول ۱۸ ماه از شروع تحقیقات در کنگو، دادستان علی‌رغم اینکه دلایل زیادی را در رابطه با جرایم جنسی شامل؛ تجاوز به عنف، شکنجه و برده‌گیری جنسی جمع‌آوری کرده بود، و فعالان حقوق بشری نیز دلایل زیادی را در رابطه با وقوع جرایم جنسی بر روی کودک سربازان دختر از سوی فرماندهان تحت امر لوبانگو در اختیار دادسرا قرار داده بودند (ایندر، ۲۰۱۱) و برای اثبات این جرایم از هیچ تلاشی در کمک به شهود کوتاهی نمی‌کردند (نگاه حقوقی به دیوان کیفری بین‌المللی، ۲۰۰۹). ولی دادستان ترجیح داد که فقط دلایل در رابطه با جرایم ثبت نام، سربازگیری و استفاده از کودکان در مخاصمات را علیه لوبانگو پیگیری کند و کیفرخواست علیه وی را محدود به همین اتهامات، تقدیم دیوان کند.

در لیست اتهامات مندرج در کیفرخواست لوبانگو اتهام «جرایم جنسی» وجود نداشت، در حالی که در سال ۲۰۰۴ قبل از شروع تحقیقات در وضعیت کنگو اظهارات متفاوتی وجود داشت که نظامیان تحت امر لوبانگو مرتکب جرائم جنسی شده‌اند (اوکامپو، ۲۰۰۴؛ و نیز مجمع عمومی ملل متحد، ۲۰۰۵ و نیز مطبوعات دیوان کیفری، ۲۰۰۶). دادستان دلایل مثبته‌ای بر وقوع جرایم جنسی در اختیار داشت و از مراحل اولیه تحقیقات در کنگو، زنان فعال حقوق بشری نیز چه در انجام تحقیقات به دادسرا و چه در کشف جرایم جنسی از سوی لوبانگو

1. Legal Eye on the ICC
2. United Nations General Assembly

به دادستان کمکهای زیادی کرده بودند (نامه مشترک وکلای پیشگام، ۲۰۰۶؛ زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۰۷ و نیز ردرس^۱، ۲۰۰۸). با این وجود زمانی که حکم جلب لوبانگو در اختیار دادستان قرار گرفت، مشخص شد که این حکم دربرگیرنده اتهامات جنسی لوبانگو نمی باشد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۰ فوریه ۲۰۰۶).

از این رو، زنان فعال حقوق بشری در ۱۶ آگوست ۲۰۰۶ طی نامه‌ای محرمانه، نگرانیهای خود را راجع به جرایم جنسی صورت گرفته از سوی لوبانگو اعلام کردند که به اندازه کافی مورد تحقیق داسرا قرار نگرفته بود (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۰۶a) در این نامه، گزارش محرمانه‌ای به دادستان ارائه شده بود که حاوی ۵۵ مصاحبه با قربانیان و گزارشی از جرایم جنسی بود که در ۳۱ مورد آن ادعا شده بود که توسط نیروهای تحت امر لوبانگو صورت گرفته است. در این نامه اعلام شده بود که اتهامات گزینش شده توسط دادستان و فقدان اتهام جنسی در لیست اتهامات قطعاً با خواسته‌های قربانیانی که در جلسات دادرسی شرکت خواهند نمود، در تعارض است. آنها نیز به این موضوع اعتراض داشتند که حتی در زمینه اتهام سر بازگیری کودکان دختر که حکم جلب به خاطر آن صادر شده است، «هیچ تحقیق مناسبی در زمینه ادعای کودک سر بازانی که مورد جرایم جنسی قرار گرفته‌اند، نیز صورت نگرفته است» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۰۶b).

دادستان در قبال این نامه هیچ واکنشی از خود نشان نداد و با این رفتار خود باعث شد که زنان فعال حقوق بشری در ۷ سپتامبر ۲۰۰۶ در رابطه با فقدان

1. Joint Letter from Avocats Sans Frontières
2. Redress

اتهامات جنسی در لیست اتهامات لوبانگو به موجب ماده ۱۰۳ قانون، لایحه‌ای را به دیوان تقدیم کنند (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۰b). فعالان حقوق بشر در این لایحه از شعبه بدوی تقاضا کردند که نظارت قضایی خود را بر تشخیص دادستان به موجب ماده (c) (۷) ۶۱ اساسنامه اعمال کند و از دادستان بخواهد که تحقیقات بیشتری را برای اصلاح اتهامات در دستور کار خود قرار دهد، به نحوی که کیفرخواست اصلاحی اتهامات جنسی را نیز دربرگیرد (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۰b).

بحث

دادستان در ژانویه ۲۰۰۹ و با شروع جلسه محاکمه لوبانگو، به جرایم جنسی صورت گرفته در دوران سربازگیری اشاره کرد. او اذعان کرد که در این دوران از کودک سربازان خواسته شده بود که به عنوان بخشی از دوره‌های آموزشی تحت اوامر فرماندهان به ربودن زنان و آوردن آنها به اردوگاههای آموزش نظامی و سپس تجاوز به آنها اقدام کنند (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). علاوه بر این، کودک سربازان دختر که برخی از آنان فقط ۱۲ سال سن داشته‌اند «هر روزه توسط فرماندهان قربانی جرایم جنسی قرار گرفته‌اند و از آنها برای اموری مانند آشپزی، نظافت، جاسوسی، دیده‌بانی استفاده شده است» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). در واقع این کودک سربازان دختر چند نقش را همزمان ایفاء کرده‌اند. دادستان اشاره کرد که آنها «در یک لحظه اسلحه حمل کرده‌اند، لحظه بعد برای فرماندهان غذا آماده کرده‌اند، در لحظه بعد مورد جرایم جنسی قرار گرفته‌اند و اگر از خود مقاومت نشان داده‌اند، کشته شده‌اند» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲).

نمایندگان حقوقی کودک سربازان سابق نیز این حقایق را تأیید کردند و تأکید کردند که «تجاوز جنسی به محض ربوده شدن کودک سربازان صورت می‌گرفت و تا مادامی که آنها در اردوگاهها بوده‌اند، این وضعیت ادامه داشته است و شدیدتر هم شده است» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). علاوه بر این شاهد شماره ۳۸ تأکید کرد که «عمده نقش کودک سربازان دختر ارائه خدمات جنسی بوده است» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). شاهد شماره ۲۹۹ نیز شهادت داد که «کودک سربازان دختر وظیفه داشتند که کیسه حاوی وسایل نظامی فرماندهان را حمل کنند و نقش همسر آنان را ایفاء کنند» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). شاهد شماره ۷ نیز تأیید کرد که بارها دیده است که «فرماندهان از کودک سربازان دختر خواسته‌اند که با آنها همخوابگی کنند و دختران نتوانسته‌اند در مقابل آنها از خود مقاومت نشان دهند» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). شاهد شماره ۸۹ نیز اظهار داشت که «جرایم جنسی از رفتارهای معمول علیه کودک سربازان دختر بوده است. آنها معمولاً حامله می‌شدند و به این خاطر به آنها اجازه داده می‌شد که اردوگاه را ترک کنند و به روستای خود پناه ببرند» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲). شاهد شماره ۱۰ که خود نیز از کودک سربازان سابق بوده است و دیوان شهادت او را تا حدودی پذیرفته است، شهادت داد که «او اغلب قربانی جرایم جنسی بوده است» (زنان پیشگام برای عدالت جنسی، ۲۰۱۲).

علاوه بر شهادت شهود دادستان با حفظ اصول گمنامی آنها (برای مطالعه بیشتر ر. ک. صالحی، ۱۳۹۴)، در رابطه با جرایم جنسی صورت گرفته از سوی نیروهای تحت امر لوبانگو شهادت شهود متخصص نیز اثبات کرد که در خلال دیگر اتهامات لوبانگو، جرایم جنسی نیز صورت گرفته است، به این معنا که

«جرایم جنسی شامل؛ تجاوز به عنف، شکنجه، برده‌گیری جنسی، حاملگی اجباری و سقط جنین اجباری در طول درگیری مسلحانه بوده است» (بنیتو^۱، پارگراف ۱۳). گزارش نماینده ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز نشان داد که کودک سربازان دختر نقشهای دوگانه داشته‌اند. آنها در عین حال که نقش مبارز و دیده‌بان را ایفاء کرده‌اند، قربانی جرایم جنسی ناشی از برده‌گیری جنسی و ازدواج اجباری نیز شده‌اند (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲ ژوئن ۲۰۱۰). با این همه، نماینده وقت دادستان، خانم فاتو بنسودا^۲ که از سال ۲۰۱۲ به بعد دادستان دیوان کیفری است و دوره خدمت ایشان در این سمت به مدت ۹ سال و تا سال ۲۰۲۱ می‌باشد. در اظهارات پایانی خود در جلسات دادرسی ابراز داشت که دلایل «نه فقط فراتر از شک معقول، بلکه فراتر از هر شک احتمالی» دیگر به اثبات رسیده است (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۸ آگوست ۲۰۰۶). از این رو لوبانگو مجرم جرایم جنگی منتسب به وی، شامل سربازگیری سازمان یافته کودکان زیر ۱۵ سال در تشکیلات شبه نظامی و استفاده از آنها در مخاصمات است. نماینده دادستان با ذکر اینکه متهم از تمامی مؤلفه‌های دادرسی عادلانه برخوردار شده است و اینک وقت آن رسیده است که مجازات خود را دریافت کند، توجه دیوان را به نوار ویدئویی جلب کرد که در آن نشان داده می‌شد که لوبانگو در روآمپارا^۳، مقر اردوگاه آموزشی در نقش فرمانده ارشد نیروهای نظامی ظاهر شده است که سربازان خود را مخاطب قرار داده بود و به آنها برای جنگیدن روحیه می‌داد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۸ آگوست ۲۰۰۶). بنا بر اظهار نماینده دادستان سربازگیری از کودکان زیر ۱۵ سال از جرایم مستمر بوده

1. Benito
2. Fatou Bensouda
3. Rwampara

است که برای مدت طولانی کودکان را در گروههای نظامی نگه داشته است. این جرم دربرگیرنده فعالیت‌هایی بوده است که کودکان در طول دوران آموزشهای نظامی و اجبار به طی دوره سربازی در این گروهها انجام داده‌اند.

اگرچه این نحوه تفسیر از واقعیتهای رخ داده با سوءاستفاده‌های جنسی همراه شد که هدف اصلی از سربازگیری دختران را نشان می‌داد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱ ژوئن ۲۰۱۱)، ولی دیوان به لحاظ فقدان اتهامات جنسی در لیست اتهامات مندرج در کیفرخواست و عدم تأیید این دسته از اتهامات در جلسه تأیید اتهام در مرحله شعبه مقدماتی، نتوانست نسبت به این دسته از اتهامات نفیاً یا اثباتاً تصمیم‌گیری کند (ایندر، ۲۰۱۱).

بر اساس شهادت شهود دادستان و اظهارات نمایندگان حقوقی قربانیان تلاشی صورت گرفت که اتهام جرایم جنسی نیز در لیست اتهامات لوبانگو قرار گیرد. دو گروه از نمایندگان حقوقی قربانیان در می ۲۰۰۹ لایحه‌ای مشترک را به دیوان تقدیم کردند. آنها در این لایحه از دیوان درخواست کردند که اتهامات موجود در کیفرخواست را اصلاح کند و بر اساس واقعیتهای و دلایل موجود، جرایم جنسی و رفتارهای ضدبشری را در کیفرخواست لوبانگو قرار دهد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۲ می ۲۰۰۹). آنها در این لایحه اذعان کردند که شهادت شهود از دلایل مثبت ادعای آنان می‌باشد و حاملگی اجباری کودک سربازان دختر مؤید اتهامات دیگر لوبانگو است که در کیفرخواست مغفول باقی مانده است. در این شرایط نمایندگان حقوقی از دیوان درخواست کردند که کیفرخواست اتهاماتی را دربرگیرد که دلایل نشان دهنده وقوع آنها می‌باشد، تا اینکه دیوان مجبور باشد که به این اتهامات نیز رسیدگی کند و در این رابطه رأی صادر کند. خواسته

نمایندگان حقوقی در این مرحله از دادرسی با موفقیت مواجه شد. لیکن دادستان در مقابل این اظهارات واکنش نشان داد و افزوده شدن اتهام جدید علیه متهم را اقدامی ناعادلانه برشمرد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۰ جولای ۲۰۱۲). دیوان در مقابل این واکنش، از دادستان پرسید که بنا بر استدلالهای وی «پس خشونت جنسی چه ارتباطی با این پرونده دارد و اگر این خشونتها با وقایع توصیف شده اتهامات لوبانگو ارتباط ندارند، دادستان چه انتظاری دارد که دیوان در قبال این دسته از خشونتهای جنسی صورت گرفته بر علیه دختران سرباز اقدام کند؟». دادستان وقت مورنو اوکامپو^۱ در قبال این پرسش پاسخ داد که «ما معتقد هستیم که دلالتی وجود دارد که دختران تحت عناوین برده‌گیری جنسی و تجاوز به عنف مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. ما اعتقاد داریم که این صدمات بخشی از صدمات ناشی از سربازگیری بوده است. لیکن ما ادعا نداریم و دلالتی را در این زمینه ارائه نکرده‌ایم که لوبانگو مرتکب تجاوز به عنف شده باشد. ما ادعا داریم که لوبانگو مرتکب سربازگیری شده است و به ماهیت خشن آن واقف بوده است. چیزی که ما در این پرونده به آن اعتقاد داریم متفاوت از چیزی است که مبین جرایم جنسی باشد. به نظر ما جرایم جنسی مثل تجاوز به عنف خاص نیستند. جرایم جنسی نتیجه سربازگیری دختران در نیروهای نظامی است. مهم است که ما در اتهامات فقط محدود به سربازگیری باشیم. چراکه اگر این کار را نکنیم، حداکثر می‌توانیم بگوییم که این دختران سرباز، همسران فرماندهان خود هستند و باید مشمول اقدامات حمایتی جابجایی و مراقبتی دیوان کیفری قرار گیرند. به این دلیل است که دادستان تصمیم گرفته است که محدود به این اتهامات باشد، تا اینکه ثابت کند که

1. Moreno-Ocampo (2003-2012)

صدمه و سوءاستفاده جنسی بر روی دختران در اردوگاهها نتیجه سر بازگیری بوده است و صرفاً این تبعات ناشی از خصوصیت جنسی همین جرم (سربازگیری) بوده است (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۸ آگوست ۲۰۰۶). صدور فرمان از سوی فرماندهان برای آدم ربایی این دختران به منظور تجاوز به عنف به آنها صرفاً یک دستور و استفاده از آنها در مخاصمات بوده است (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۲۸ آگوست ۲۰۰۶).

به هر حال شعبه بدوی استدلالهای دادستان را نپذیرفت و با اکثریت آراء رأی به افزایش اتهامات منطبق با واقعیتهای موجود صادر کرد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ جولای ۲۰۰۹). اکثریت قضات به این نتیجه رسیدند که کیفرخواست را منطبق با دلائل موجود راجع به جرایم جنسی اصلاح کنند تا اینکه اتهاماتی به اثبات برسند که دلائل دال بر آنها موجود هستند (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ جولای ۲۰۰۹).

لیکن شعبه تجدیدنظر این نحوه از تفسیر قضات شعبه بدوی را نپذیرفت و اعلام کرد که قضات در تفسیر خود دچار اشتباه شده‌اند. شعبه تجدیدنظر خاطرنشان ساخت که دیوان اجازه ندارد که از بررسی دلائل و شرایطی که مربوط به اتهامات یا اصلاحیه آنها می‌باشد، پا را فراتر بگذارد (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۸ دسامبر ۲۰۰۹). شعبه تجدیدنظر استدلال کرد که فقط دادستان می‌تواند با اختیارات حاصل از ماده (۹) ۶۱ دلائل و شرایط جدیدی را در کیفرخواست بگنجانند (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۸ دسامبر ۲۰۰۹). از نظر آنها به موجب ماده (۹) ۶۱ اساسنامه فقط دادستان ولو پس از تأیید اتهامات و قبل از شروع محاکمه، می‌تواند با اجازه شعبه مقدماتی و پس از اطلاع به متهم، اتهامات را اصلاح و به جرایم جنسی تغییر یا افزایش دهد (برای مطالعه بیشتر

در این زمینه ر. ک. فاخری و صالحی، (۱۳۹۳).

از این رو تلاشهای زنان فعال حقوق بشری برای متقاعد کردن شعبه تجدیدنظر بی‌نتیجه باقی ماند و در نهایت کیفرخواست برای دربرگرفتن اتهامات جنسی لوبانگو، اصلاح نشد. در نتیجه رأی نهایی علیه لوبانگو تأثیرات کمی از جرایم جنسی وی به خود گرفت. شعبه بدوی با اشاره به عدم همکاری دادستان در اصلاح کیفرخواست به نحوی که اتهامات جنسی لوبانگو در کیفرخواست قرار گیرد، به جای خالی اتهامات جنسی در لیست اتهامات تأیید شده اشاره کرد. دیوان این رویکرد را مانعی بزرگ در برابر خود برای عدم تصمیم‌گیری در این زمینه دانست و اظهار داشت که: «صرف نظر از اینکه آیا جرایم جنسی ضمن اتهامات دیگر لوبانگو در سربازگیری و استفاده فعالانه از کودک سربازان در مخاصمات مسلحانه رخ داده است یا خیر، که این یک مسأله حقوقی است، به‌خاطر وجود دلایل مرتبط با خشونت جنسی که در مرحله تأیید اتهامات تصمیم‌گیری نشده است، دیوان اجازه ندارد بر اساس ماده (۲) ۷۴ اساسنامه در این زمینه رأی صادر کند» (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ مارس ۲۰۱۲). چراکه به اعتقاد شعبه بدوی رأی دیوان به موجب ماده (۲) ۷۴ باید مبتنی بر ارزیابی ادله و مجموع رسیدگیها باشد. رأی دیوان نباید خارج از حدود واقعیات و اوضاع و احوال بیان شده در لیست اتهامات و یا اصلاحات مربوط به آن مندرج در کیفرخواست باشد. دیوان باید رأی خود را فقط بر مبنای دلایل ارائه شده در جریان محاکمه و مطابق لیست اتهامات مندرج در کیفرخواست صادر کند.

از این رو، دیوان با دقت نظر در محدود کردن دلایل مذکور، اظهار داشت که «با توجه به قصور دادستان و صرف نظر کردن او از اشاره به اتهامات جنسی در کیفرخواست ... این دلایل جهت صدور رأی از شمول ماده ۷۴ خارج است»

(پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ مارس ۲۰۱۲). دیوان همچنین اشاره کرد که با توجه به اظهارات شهود متخصص که دیوان از آنها برای کسب اطلاعات بیشتر در جلسات دادرسی دعوت به عمل آورده است، «استفاده جنسی از کودکان، در تعریف عرفی استفاده از کودکان در مخاصمات قرار نمی‌گیرد و همین اقدام باعث شده است که کودک سربازان در معرض خطراتی از جمله؛ تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی قرار گیرند» (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ مارس ۲۰۱۲)، بدون اینکه بتوان آن را در ذیل استفاده از کودکان در مخاصمات قرار داد و به همین عنوان لوبانگو را مجرم شناخت.

به همین دلیل در رأی نهایی، فرمول دیوان از نحوه برخورد با جرائم ثبت نام، سربازگیری و استفاده از کودک سربازان نه صراحتاً و نه ضمناً مولفه‌های جرایم جنسی را دربرنگرفت. اگرچه تحلیل دیوان از یافته‌های حقوقی بر تفسیر صحیح از جرم استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال برای مشارکت فعالانه در مخاصمات مسلحانه، متمرکز شد، ولی دیوان «مشارکت فعالانه» را چنین تفسیر کرد که «افرادی که به طور فعالانه در مخاصمات مشارکت کردند، شامل طیف گسترده‌ای از افراد هستند که از نیروهای خط مقدم مبارزه تا نیروهای پشتیبانی کننده در پشت جبهه نبرد را دربرمی‌گیرد. کلیه این افراد اعم از کسانی که مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در مخاصمات داشته‌اند، یک ویژگی مشترک دارند. این ویژگی مشترک این است که همه آنها در معرض خطر کشته شدن قرار گرفته‌اند. عامل اصلی در شناسایی این مسأله که «نقش غیرمستقیم» چگونه در مخاصمات به «مشارکت فعالانه» تبدیل شده است، رسیدن به این نتیجه است که ارائه خدمات پشتیبانی از سوی کودکان به مبارزان خط مقدم، کودکان را در معرض خطر واقعی در تیررس دشمن بودن قرار داده است» (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ مارس ۲۰۱۲).

به‌هرحال دیوان در ارائه تعریف از جرم «استفاده از کودکان برای مشارکت فعالانه در مخاصمات» به هیچ جمع‌بندی روشنی در رابطه با وقوع جرایم جنسی تحت این عنوان نرسید. با این همه دیوان خاطر نشان کرد که ممکن است «تحت شرایط قانونی به بررسی این موضوع بپردازد که آیا دلائل مبتنی بر جرایم جنسی در میزان مجازات و جبران خسارت باید مدنظر قرار گیرند» (پرونده دادستان علیه لوبانگو، ۱۴ مارس ۲۰۱۲).

تحت این شرایط به نظر می‌رسد ارتکاب خشونت جنسی علیه کودک سربازان دختر در مخاصمات مسلحانه زمینه نقض بایسته‌های حقوق بشردوستانه بین‌المللی را فراهم آورده است. از این رو مبارزه با این دسته از جرایم از موضوعات مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری قرار گرفته است. اگرچه مبارزه با خشونت جنسی در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مشخصاً فاقد سابقه است، لیکن از سال ۱۹۹۰ به بعد، این دسته از جرایم مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. دادگاه یوگسلاوی، رواندا و سیرالئون نقش سازنده‌ای را با توسعه صلاحیت خود در رسیدگی به این نوع از جرایم ایفاء کرده‌اند. لیکن این دادگاههای بین‌المللی کیفری با توجه به اساسنامه خود با موانعی جدی مواجه بودند و این وضعیت یکی از نگرانیهای بزرگ در مسیر مبارزه با جرایم جنسی بود. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه با تصویب اساسنامه دیوان کیفری، مبارزه با جرایم جنسی رخ داده در مخاصمات بین‌المللی در الویت قرار گرفت و رویاها به واقعیت تبدیل شد که زمینه برای مبارزه جدی با جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر فراهم شده است. اساسنامه دیوان کیفری نه تنها نحوه برخورد با چنین جرایم جنسی را برشمرده است، بلکه زمینه تصویب قوانین بیشتر را برای تأمین سازوکارهای تخفیف برخی آلام قربانیان ناشی از این جرایم در نظر گرفته است.

لیکن فقدان نتایج عملی در رأی دیوان در رابطه با جرایم جنسی ارتکاب یافته بر کودک سربازان و اشاره نکردن دیوان به این موضوع در لیست جرایم محکوم شده لوبانگو در وضعیت کنگو باعث شده است که ابعاد این جرایم جنسی در دیوان کیفری مسکوت باقی بماند و در میزان مجازات لوبانگو تأثیری نگذارد. علاوه بر این صدماتی که کودک سربازان دختر از جرایم جنسی متحمل شده بودند نیز در ارزیابی میزان شدت مجازات لوبانگو مغفول باقی ماند. رویه دیوان در اولین پرونده دارای اتهامات جنسی و منفعل ماندن دیوان در پیگیری و اصلاح کیفرخواست باعث شد که امیدهای ایجاد شده در مبارزه با جرایم جنسی به یأس و نومیدی منتهی شود. قضات دیوان با اتخاذ این رویه نشان دادند که سیاست دیوان بر رفع اشکالات اقدامات دادستان در تعقیب جرایم جنسی مسکوت مانده در کیفرخواست نیست. این رفتار دیوان در حالی است که دادگاه رواندا در پرونده آکایسو عملکرد بهتری از خود نشان داده بود و علی رغم نظر دادستان رأی به اصلاح کیفرخواست داده بود تا اینکه جرایم مدنظر دادگاه تحت تعقیب و مجازات قرار گیرند.

- اسدی، ل. س. (۱۳۸۹). حمایت دادستان از کودک در خانواده، موانع و چالشها. *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۵ (۵۲): ۶۷-۴۷.
- اسلامی، ر. و میریان، س. (۱۳۹۴). بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۶ (۱): ۳۶-۷.
- الستی، س. و حسن پور، م. (۱۳۸۵). بزه دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیده گی. *دادرسی*، ۱۰ (۵۶): ۴۳-۳۵.
- السان، م. (۱۳۸۵). جرم شناسی خشونت علیه زنان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵ (۲۱): ۳۴-۱۵.
- بابایی، م. ع. (۱۳۹۰). *جرم شناسی بالینی*. تهران: انتشارات میزان.
- پاک نهاد، ا. (۱۳۹۲). تحلیل حقوقی- جرم شناختی مزاحمت جنسی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴ (۲): ۳۳-۷.
- پردال، ژ. (۱۳۹۰). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت.
- پیکاک، ج. (۱۳۸۹). *جرم شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
- توجهی، ع. (۱۳۷۷). *جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران*. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- توحیدی، ا. ر. و فضلی، د. (۱۳۹۳). پیشگیری وضعی از جرایم جنسی. *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۹ (۶۱): ۹۶-۷۱.
- جوان جعفری بجنوردی، ع. و شاهیده، ف. (۱۳۹۲). رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران. *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۳ (۵): ۱۵۴-۱۲۷.
- جوان جعفری بجنوردی، ع. و شاهیده، ف. (۱۳۹۳). نقش زنان بزه دیده در ارتکاب جرایم جنسی، با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران. *پژوهش حقوق کیفری*، ۲ (۷): ۷۱-۴۱.
- حاجی ده آبادی، ا. و حاجی ده آبادی، م. ع. و یوسفی، م. (۱۳۹۲). بررسی مبنای ضرر در جرم‌انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴ (۲): ۶۵-۳۵.
- حسینی، ح. و صفری، ص. (۱۳۹۴). نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب و پیشگیری از جرایم جنسی. *پژوهش حقوق کیفری*، ۳ (۱۱): ۱۶۷-۱۴۷.
- خوشایبی، ک. (۱۳۸۲). گزارش یک مورد سوءاستفاده جنسی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۲ (۷): ۱۴۰-۱۳۱.

- دادبان، ح. و آقایی، س. (۱۳۸۸). بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم. *فصلنامه حقوق و علوم سیاسی*، ۳۹ (۳): ۱۴۳-۱۱۵.
- رایجیان اصلی، م. (۱۳۹۰). *بزه دیده شناسی: تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی*. ج ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوق شهردانش.
- رضوی فرد، ب. و دیرباز، م. (۱۳۹۲). حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه دیدگان. *پژوهش حقوق کیفری*، ۲ (۳): ۹۸-۶۷.
- رمضان نرگسی، ر. (۱۳۸۳). تجاوز و بزه دیدگی زنان. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ۶ (۲۳): ۳۴-۱۲.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی؛ مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی*. چاپ دوم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صادقی فسائی، س. و رجب لاریجانی، م. (۱۳۸۹). مطالع جامعه شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۸ (۳): ۱۳۴-۱۱۱.
- صادقی فسایی، س. و میرحسینی، ز. (۱۳۹۰). راهی به سوی افزایش احساس امنیت اجتماعی. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*. ویژه نامه.
- صالحی، ج. (۱۳۹۴). بایسته‌ها و چالش‌های افشای دلایل؛ جلوه‌ای حقوق دفاعی متمم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۴۸، ۶۷-۴۷.
- صالحی، ج. (۱۳۹۴). آثار بزه دیده شناسی بر حق مشارکت بزه دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۵۲، ۲۷۶-۲۵۵.
- صفاری، ع. (۱۳۸۰). مبانی نظری پیش‌گیری وضعی از جرم. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۷ (۳۳): ۱۲۳-۱۱۰.
- کبریتی، م. ج. و آقابابایی، ح. و شاه ملک پور، ح. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی جرایم جنسی در حقوق کیفری بین‌النهرین باستان. آیین کیفری یهود، فقه جزایی اسلامی و حقوق ایران، *پژوهشنامه حقوقی*، ۱ (۱): ۱۳۵-۱۱۳.
- کردی، ح. و حسینی نودری، ع. ا. (۱۳۹۳). تجربه انواع آزار جنسی زنان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۵ (۵۷): ۳۰-۷.
- فاخری، ن. و صالحی، ج. (۱۳۹۳). رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی در اصلاح اتهامات لوبانگا: از هماهنگی تا تعارض میان آیین نامه دیوان با اساسنامه رم. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۱۳ (۵۱): ۲۰۴-۱۸۳.
- فرجی‌ها، م. و آذری، ه. (۱۳۸۸). حمایت کیفری از زنان قربانی تجاوز به عنف در حقوق ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۰): ۳۱۴-۲۸۷.

- قتاده، ف. (۱۳۹۰). نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه زنان و کودکان. *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۷ (۵۶): ۹۷-۱۱۵.
- کیتلسون، م. ج. (۱۳۹۱). حقایقی درباره تجاوز جنسی. ترجمه ساسان ودیعه، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- لسانی، ح. ا. و دیرباز، م. (۱۳۹۰). حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه دیدگان. *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱ (۲): ۱۷۳-۱۹۸.
- محمدنسل، غ. (۱۳۹۱). *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*. تهران: انتشارات دادگستر.
- معینی فر، م. (۱۳۹۱). بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌المللی. *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۷ (۵۶): ۱۱۷-۱۴۲.
- میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۸۳). *دیوان کیفری بین‌المللی*. تهران: انتشارات دادگستر.
- وامقی، م. و خدائی اردکانی، م. ر. و سجادی، ح. (۱۳۹۲). خشونت خانگی در ایران؛ مرور مطالعات ۱۳۸۷-۱۳۸۰. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳ (۵۰): ۳۷-۷۰.
- وزیری، م. و آبید، م. (۱۳۹۰). *پلیس زن و پیشگیری وضعی از جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان*. مجموعه مقالات همایش پلیس زن و مبارزه با مواد مخدر، تهران: انتشارات نوین.
- Addario, L. & Egan, S. (2008). *Legacy of War: an Epidemic of Sexual Violence in DRC*. Available at: <http://www.unfpa.org/news/legacy-war-epidemic-sexual-violence-drc>.
- Adetunji, J. (2011). *Forty-eight women raped every hour in Congo*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2011/may/12/48-women-raped-hour-congo>.
- Askin, K. D. (2003). Prosecuting Wartime Rape and Other Gender-Related Crimes Under International Law: Extraordinary Advances, Enduring Obstacles. *Berkeley Journal of International Law*, 21 (3), 288-349.
- Askin, K. D. (2005). Gender Crimes Jurisprudence in the ICTR: Positive Developments. *Journal of International Crime Justice*, 3 (4), 1007-1018.
- Askin, K. D. (2006). *Prosecuting Gender Crimes Committed in Darfur: Holding Leaders Accountable for Sexual Violence*. In: Totten, S. & Markusen, E. (Eds.). *Genocide in Darfur: Investigating Atrocities in the Sudan*. Edited by New York, NY: Routledge.

- Bastick, M. , Grimm, K. & Kunz, R. (2007). *Sexual Violence in Armed Conflict: Global Overview and Implications for the Security Sector*. Geneva, DCAF.
- Bedont, B. & Martinez K. H. (1999). Ending Impunity for Gender Crimes Under the International Criminal Court. *Brown Journal of World Affairs*, 6 (1), 65-79.
- Buss, D. (2009). Rethinking 'Rape as a Weapon of War'. *Feminist Legal Studies*, 17 (1), 145-163.
- Carreiras, H. (2013). *Sexual Violence in Armed Conflicts: A Global Overview, in Gender Violence in Armed Conflicts*. Lisboa, Calçada das Necessidades, Instituto da Defesa Nacional.
- Clarke, K. (2009). *Fictions of Justice: The International Criminal Court and the Challenge of Legal Pluralism in Sub-Saharan Africa*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Coleman, J. (2007). Showing Its Teeth: The International Criminal Court Takes on Child Conscript in the Congo, But Is Its Bark Worse Than Its Bite?. *Penn State International Law Review*, 26 (3), 765-792.
- Copelon, R. (2000). Gender Crimes as War Crimes: Integrating Crimes Against Women into International Criminal Law (Hate, Genocide and Human Rights Fifty Years Later: What have We Learned? What Must We Do?). *McGill Law Journal*, 46 (1), 1-49.
- Glassborow, K. (2006). *Plight of Girl Soldiers Overlooked, Hague, Institute for War and Peace Reporting*. Available at: <https://iwpr.net/global-voices/plight-girl-soldiers-overlooked>.
- Glassborow, K. (2008A). *Call for Lubanga Charges to Cover Rape, Hague, Institute for War and Peace Reporting*. Available at: <https://iwpr.net/global-voices/call-lubanga-charges-cover-rape>.
- Glassborow, K. (2008B). *ICC Investigative Strategy Under Fire, Hague, Institute for War and Peace Reporting*. Available at: <https://iwpr.net/global-voices/icc-investigative-strategy-under-fire>.
- Hayes, N. (2010). *Creating a Definition of Rape in International Law: The Contribution of the International Criminal Tribunals*. In: Darcy, S. & Powderly, J. (Eds.). *Judicial Creativity at the International Criminal Tribunals*. Oxford: OUP.
- Hayes, N. (2012). *The Impact of Prosecutorial Strategy on the Investigation and Prosecution of Sexual Violence at International Crimi-*

nal Tribunals. In Bergsmo, M. (Ed.). Thematic Prosecution of International Sex Crimes. Oslo: Torkel Opsahl Academic ePublisher.

- ICC Press Release, (2011). ***Trial of Thomas Lubanga Dyilo: The Presentation of Evidence Stage is Closed.*** Case No. ICC-CPI-20110520-PR671, 20 May 2011A, Available at:

<http://www.icc-cpi.int/NR/exeres/90F8E443-D740-4932-99F1-37A05A11088F.htm>.

- ICTY at a Glance (2016). ***Key Figures of ICTY Cases.*** Available at: <http://www.icty.org/en/cases/key-figures-cases>.

- Inder, B. (2010). ***Making a Statement: A Review of Charges and Prosecutions for Gender Based Crimes before the International Criminal Court.*** Available at:

<http://www.iccwomen.org/publications/articles/docs/MaS22-10web.pdf>.

- Inder, B. (2011). ***Executive Director of the Women's Initiatives for Gender Justice, Reflection: Gender Issues and Child Soldiers in the case of Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo.*** 25 August 2011, Available at:

<http://www.iccwomen.org/documents/Gender-Issues-and-Child-Soldiers.pdf>.

- Irwin, R. (2009). ***Lubanga Defence Warn New Charges Threaten Trial, Hague.*** Institute for War and Peace Reporting, Available at: <http://iwpr.net/report-news/lubanga-defence-warn-new-charges-threaten-trial>.

- Jain, N. (2008). Forced Marriage as a Crime Against Humanity: Problems of Definition and Prosecution. ***Journal of International Criminal Justice***, 6 (5), 1013-1032.

- Joint Letter from Avocats Sans Frontières, (2006). ***ICC Charges Raise Concern.*** 31 July 2006, Available at: http://hrw.org/english/docs/2006/08/01/congo13891_txt.htm.

- Kelsall, M. S. & Stepakoff, S. (2007). When We Wanted to Talk About Rape: Silencing Sexual Violence at the Special Court for Sierra Leone. ***International Journal of Transitional Justice***, 1 (3), 355-374.

- ***Legal Eye on the ICC*** (2009). The Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo: Trial finally underway, Available at: http://www.iccwomen.org/news/docs/LegalEye_Mar09/index.html.

- Lovejoy, P. (2007). ***Internal Markets or an Atlantic-Sahara Divide?***

- How Women Fit into the Slave Trade of West Africa.** In: Laband, J. (Ed.). Daily lives of civilians in wartime Africa: from slavery days to Rwandan genocide. Westport: Greenwood Press.
- McGlynn, C. (2008). Rape as Torture? Catharine Mackinnon and Questions of Feminist Strategy. *Feminist Legal Studies*, 16 (1), 71-85.
 - McKay, S. & Mazurana, D. (2003). *Where are the Girls? Girls in the Fighting Forces in Northern Uganda, Sierra Leone and Mozambique: Their Lives During and After War.* Montréal, Rights & Democracy.
 - Nowrojee, B. (2005). Making the Invisible War Crimes Visible: Post-Conflict Justice for Sierra Leone's Rape Victims. *Harvard Human Rights Journal*, 18 (1), 85-105.
 - Ocampo, L. M. (2004). *Third Session of the Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court.* The Hague, Available at: http://www.iccnw.org/documents/OcampoAddress_ASP06Sept04.pdf.
 - Ocampo, L. M. (2010). Keynote Address-Interdisciplinary Colloquium on Sexual Violence as International Crime: Interdisciplinary Approaches to Evidence. *Law & Social Inquiry*, 35 (4), 839-846.
 - Oosterveld, V. (2003). Sexual Slavery and the International Criminal Court: Advancing International Law. *Michigan Journal of International Law*, 25 (1), 605-651.
 - Oosterveld, V. (2007). The Special Court for Sierra Leone, Child Soldiers and Forced Marriage: Providing Clarity or Confusion?. *Canadian Yearbook of International Law*, Vol. 45 (1), 131-172.
 - Oosterveld, V. (2009). The Special Court for Sierra Leone's Consideration of Gender-based Violence: Contributing to Transitional Justice?. *Human Rights Review*, 10 (1), 73-98.
 - Osuji, C. E. (2010). *Rape and Superior Responsibility: International Criminal Law in Need of Adjustment.* Brill, E-Books Online Collection.
 - Peterman A. , Palermo, T. & Bredenkamp, C. (2011). Undercounting, overcounting and the longevity of flawed estimates: statistics on sexual violence in conflict. *Bulletin of the World Health Organization*, 89 (1), 12-32.
 - Pillay, N. (2010). Address-Interdisciplinary Colloquium on Sexual Violence as International Crime: Sexual Violence: Standing by the Victim. *Law & Social Inquiry*, 35 (4), 847-853.

- Press Release, (2006). *the Office of the Prosecutor of the International Criminal Court opens its first investigation*. Case No. ICC-ASP/4/16; ICC-OTP-20040623-59, 23 June 2006, Available at: <http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/2004/the%20office%20of%20the%20prosecutor%20of%20the%20international%20criminal%20court%20opens%20its%20first%20investigation>.
- Press Release, Human Rights Watch, (1998). *Human Rights Watch Applauds Rwanda Rape Verdict*. 1 Sept 1998, Available at: <http://www.hrw.org/press98/sept/rrape902.htm>.
- Press Release, Human Rights Watch, (2006). *ICC Charges Raise Concern*. 1 August 2006, Available at: <http://www.hrw.org/news/2006/07/31/dr-congo-icc-charges-raise-concern>.
- Pritchett, S. M. (2008). Entrenched Hegemony, Efficient Procedure or Selective Justice?: An Inquiry Into Charges for Gender-Based Violence at the International Criminal Court. *Transnational Law & Contemporary Problems*, 17 (1), 265-305.
- Prosecutor v. Bisengimana (13 April 2006). *Judgment and Sentence*. Case No. ICTR-00-60.
- Prosecutor v. *Dragoljub, Kovac and Vukovic* (2001). (Foca case), Case No. IT-96-23-T. Available at: <http://www.icty.org/x/cases/kunarac/tjug/en/kun-tj010222e.pdf>.
- Prosecutor v. Lubanga, (01 June 2011). *PROSECUTION'S CLOSING BRIEF*, Case No. ICC-01/04-01/06-2748-Red. Available at: <https://www.icc-cpi.int/pages/record.aspx?uri=1123809>.
- Prosecutor v. Lubanga (10 February 2006). Warrant of Arrest, Case No. ICC-01/04-01/06.
- Prosecutor v. Lubanga (10 July 2012). *Decision on Sentence pursuant to Article 76 of the Statute, Case No.* ICC-01/04-01/06-2901, Available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/record.aspx?docNo=ICC-01/04-01/06-2901>.
- Prosecutor v. Lubanga (14 July 2009). *Decision Giving Notice to the Parties and Participants that the Legal Characterisation of the Facts May be Subject to Change in Accordance with Regulation 55 (2) of the Regulations of the Court*, Case No. ICC-01/04-01/06-2049.

- Prosecutor v. Lubanga (14 March 2012). *Judgment pursuant to Article 74 of the Statute*, Case No. ICC-01/04-01/06-2842, Available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/record.aspx?docNo=ICC-01/04-01/06-2842>.
- Prosecutor v. Lubanga (2 June 2010). *Submission by the Registrar of the Curriculum Vitae of Chamber expert Mrs. Radhika Coomaraswamy*, Case No. ICC-01/04-01/06-2464, Available at: <https://www.icc-cpi.int/pages/record.aspx?uri=882710>.
- Prosecutor v. Lubanga (22 May 2009). *Joint Application of the Legal Representatives of Victims for the Implementation of the Procedure under Regulation 55 of the Regulations of the Court*, Case No. ICC-01/04-01/06.
- Prosecutor v. Lubanga (22 May 2009). *Joint Application of the Legal Representatives of the Victims for the Implementation of the Procedure under Regulation 55 of the Regulations of the Court*, Case No. ICC-01/04-01/06-1891, Available at: <https://www.icc-cpi.int/pages/record.aspx?uri=692081>.
- Prosecutor v. Lubanga (26 January 2009). *Transcript*, Case No. ICC-01/04-01/06.
- Prosecutor v. Lubanga (27 January 2009). *Transcript*, Case No. ICC-01/04-01/06.
- Prosecutor v. Lubanga (28 August 2006). *Submission of the Document Containing the Charges pursuant to Article 61 (3) (a) and of the List of Evidence pursuant to Rule 121 (3)*, Case No. ICC-01/04-01/06-T-356-ENG, Available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/record.aspx?docNo=ICC-01/04-01/06-356>.
- Prosecutor v. Lubanga (8 December 2009). *Judgment on the Appeals of Mr Lubanga Dyilo and the Prosecutor against the Decision of Trial Chamber I of 14 July 2009 Entitled 'Decision Giving Notice to the Parties and Participants that the Legal Characterisation of the Facts May be Subject to Change in Accordance with Regulation 55 (2) of the Regulations of the Court'*, Case No. ICC-01/04-01/06-2205.
- Prosecutor v. Nzabirinda (23 February 2007). *Sentencing Judgment*, Case No. ICTR-2001-77.
- Prosecutor v. Rugambarara (16 November 2007). *Sentencing Judgment*, Case No. ICTR-00-59.
- Prosecutor v. Serushago (5 February 1999). *Sentence*, Case No. ICTR-98-39-S.

- Prosecutor v. Zejnil, Zdravko, Hazim and Esad (1998). *Celebici case*. Case No. IC-96-21-T, Available at: <http://www.icty.org/x/cases/music/tjug/en/cel-tj981116e.pdf>.
- Redress, (2008). *ICC Prosecutor Leaves Unfinished Business in Ituri*. DRC, 13 Feb 2008, Available at: <http://www.redress.org>.
- Schaack, B. V. (2008). *Engendering Genocide: The Akayesu Case Before the International Criminal Tribunal for Rwanda*. Santa Clara University School of Law Legal Studies Research Paper Series, Human Rights Advocacy Stories: Foundation Press.
- Sellers, P. V. & Okuizumi, K. (1997). International Prosecution of Sexual Assaults. *Transnational Law & Contemporary Problems*, 7 (1), 45-82.
- Steains, C. (1999). Gender Issues in the International Criminal Court. ; In (Ed.) by Roy S. Lee, *The International Criminal Court: The Making of the Rome Statute: Issues, Negotiations, Results*. , The Hague, Kluwer Law International, 357-390.
- Truth and Reconciliation Commission of Liberia, (2009). *Final Report*. Available at: <http://trcofliberia.org/reports/final-report>.
- United Nations General Assembly (2005). *Report of the International Criminal Court*. Case No. A/60/177, 1 August 2005.
- Women's Initiatives for Gender Justice (2006A). *Letter to the Prosecutor*. August 2006, Available at: http://www.iccwomen.org/documents/Prosecutor_Letter_August_2006_Redacted.pdf.
- Women's Initiatives for Gender Justice (2006B). *Women's Initiatives Letter to the Prosecutor Stating Concern About the Failure to Investigate and Charge Gender-Based Crimes in the Lubanga Case*. Available at: <http://www.iccwomen.org/publications/articles/docs/LegalFilings-web-2-10.pdf>.
- Women's Initiatives for Gender Justice (2007). *Statement by the Women's Initiatives for Gender Justice on the Arrest of Germain Katanga*. 18 Oct 2007, Available at; http://www.iccwomen.org/news/docs/Arrest_of_Katanga.pdf.
- Women's Initiatives for Gender Justice (2009). *Gender Report Card on the International Criminal Court*. available at: http://www.iccwomen.org/news/docs/GRC09_web-2-10.pdf.
- Women's Initiatives for Gender Justice (2010A). *Gender Report*

Card on the International Criminal Court. Available at:
http://www.iccwomen.org/news/docs/GRC10-WEB-11-10-v4_Final-version-Dec.pdf.

- Women's Initiatives for Gender Justice (2010B). *Legal Filings to the International Criminal Court*. Available at:
http://www.iccwomen.org/publications/articles/docs/Legal_Filings_submitted_by_the_WIGJ_to_the_International_Criminal_Court_2nd_Ed.pdf.